

انتخابات مجلس شورای ملی از ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲

امیر طالبی

در مقطع سالهای ۱۳۲۰-۱۳۳۲ انتخابات دوره‌های ۱۴، ۱۵، ۱۶ و ۱۷ مجلس شورای ملی به ترتیب توسط دولتهای علی‌سپه‌ای، احمد قوام، محمد ساعد و دکتر مصدق برگزار گردید. وجه تمایز در این دوره، وجود آزادی نسبی در جریان برگزاری انتخابات است. در انتخابات این چهار دوره، اول آن که امکان کاندیدا شدن برای همگان وجود داشت. دوم آن که کاندیداها از آزادی تبلیغات برخوردار بودند. سوم آن که حق نظارت بر جریان انتخابات تا حدودی وجود داشت و چهارم آنکه بازار اعمال نفوذ دولتها در این چهار دوره و به ویژه سه دوره اول به شدت گرم بود و تقلبهای انتخاباتی بسیار رایج. همه این خصوصیات باعث شده است که حجم قابل توجهی از سخنان و اظهار نظرهای شخصیت‌های سیاسی آن ایام در مطبوعات منعکس گردد که به پاره‌ای از آنها اشاره می‌شود.

دکتر مصدق: «اگر مجلس چهاردهم با آزادی انتخاب شده بود... کی جرأت دارد بگوید انتخابات آزاد است حال آن که رجالی که در جریان انتخابات ملی تأثیر دارند مانند آیت الله کاشانی باید در حال تبعید باشند... یا... زیرا مجالی یافت نشد که اشخاص صالح بتوانند خود را معرفی و کاندید نموده و اعتماد و اطمینان آنها را جلب نمایند...»

با این حال وقتی این نمونه‌ها را با نمونه‌های

این بررسی نگاهی دارد به انتخابات در دوره‌ای از حکومت محمد رضا پهلوی. برای سهولت بررسی و همچنین به دلیل اختلافاتی چند، موضوع انتخابات به دو مقطع جداگانه تقسیم شده است. مقطع اول از ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ و مقطع دوم از ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ می‌باشد. این نوشته به بررسی مقطع اول اختصاص دارد. این تقسیم‌بندی با توجه به سه ویژگی صورت گرفته است.

ویژگی اول، نقش شاه در امور اجرایی کشور است که در این دو مقطع به میزان قابل توجهی تفاوت می‌کند.

ویژگی دوم، عدم تمرکز امور کشور، وجود باندهای قدرت و حضور نیروهای خارجی، در دوره اول است. پدید آمدن رقیب سیاسی جدید برای انگلستان و در نتیجه شکل‌گیری دو دسته‌گرایی به آمریکا و انگلیس در میان دولتمردان ایران و تضادهایی در درون هیئت حاکمه ایران پدید آورده بود. این مسئله پس از کودتای ۲۸ مرداد و حل تضاد به نفع آمریکا و ایادیش، هیئت حاکمه را یک دست‌تر و متمرکزتر کرد و موجب شد تا در مقابل نیروهای مستقل و غیر وابسته به دربار و خارج، صف واحدی را اتخاذ کنند.

ویژگی سوم، وجود فضای باز سیاسی در کشور در مقطع اول است. این فضا که با سقوط دیکتاتور در شهریور ۱۳۲۰ به وجود آمده بود بنابه دلایل گوناگون تا پایان حکومت دکتر مصدق ادامه پیدا کرد. گرچه هیئت حاکمه و دربار چندین بار سعی کرد تا این فضا را از بین ببرد (حوادث بعد از واقعه ۱۵ بهمن ۱۳۲۷) ولی در این کار موفق نیافت. سه ویژگی فوق در همه ارکان سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور تأثیرات خود را به همراه داشت؛ از جمله در موضوع مورد بحث ما یعنی انتخابات.

بعد از کودتا مقایسه کنیم متوجه تفاوت شرایط خواهیم شد. سید محمد علی شوشتری از هواداران جدی سپهبد زاهدی در باب انتخابات دوره نوزدهم مجلس چنین گفت: «خجالت نمی کشید، بچه گول می زنید...»^۳

به هر صورت با توجه به مطالب فوق مروری بر انتخابات چهار دوره این مقطع می افکنیم. نخست از انتخابات مجلس چهاردهم شروع می کنیم. برگزاری انتخابات مجلس چهاردهم برعهده دولت علی سهیلی بود که در رابطه با برگزاری انتخابات چنین اظهار نظر کرده بود: «من به این نتیجه رسیده ام که انتخابات باید کاملاً آزاد باشد...» و ضمن آن وعده داد که آزادی مجامع را تامین کند و حکومت نظامی را نیز لغو نماید. ولی علی رغم وعده وی، حکومت نظامی برچیده نشد و وزیر کشور وقت طی مصاحبه ای اعلام داشت که انتخابات و حکومت نظامی مانع الجمع نیستند.^۵

انتخابات مجلس چهاردهم در نیمه دوم سال ۱۳۲۲ به انجام رسید. تقلبها و اعمال نفوذهای فراوانی در جریان آن به عمل آمد. جریان انتخابات شهرضا، ماکو و بندر عباس به رسوایی کشیده شد و روزنامه ها پرده از اعمال نفوذ دربار و دولت برکشیدند. روزنامه داد تلگراف سهیلی به فرماندار ماکو را به چاپ رساند. در آن تلگراف چنین آمده بود: «تلگراف رمز، آقای سهیلی نخست وزیر به فرماندار ماکو. رونوشت شهربانی، وکیل دوم ماکو تیموری است، با شهربانی در انتخاب او تشریک مساعی کنید.»^۶ ولی با این وجود و علی رغم تقلب بسیار، در جریان این انتخابات، دکتر مصدق به عنوان نماینده اول تهران به مجلس راه یافت، بجز وی آیت الله کاشانی، مهندس غلامعلی قریور و دکتر جلال عبده نیز از تهران به نمایندگی انتخاب شدند. همچنین هشت نفر از کاندیداهای حزب توده نیز از شهرهای شمالی به مجلس راه یافتند.^۷ و به این ترتیب اقلیتی در مجلس شکل گرفت. علاوه بر اینها دیگرانی هم در این مجلس بودند همچون رحیمیان نماینده قوچان و شیخ حسین لنکرانی نماینده اردبیل که افرادی مستقل و غیر وابسته به دربار و حکومت به شمار می آمدند.

انتخابات مجلس پانزدهم تا حدودی با انتخابات مجلس چهاردهم تفاوت داشت. این بار نیز همچون انتخابات دوره چهاردهم، آزادی انتخاب و تبلیغ به ظاهر وجود داشت. با این تفاوت که حزب دموکرات احمد قوام که به منظور مقابله با نیروی تشکیلاتی حزب توده به وجود آمده بود و با تکیه بر

امکانات و تسهیلات دولتی تا حدودی نیز توانست به سان یک حزب عمل کند، آن چنان بر صندوقهای رای و حوزه های رای گیری تسلط یافت که امکان ورود برای نمایندگان غیر خود و حتی در پاره ای موارد نمایندگان درباری را نیز مسدود کرد. قوام برای همه شهرستانها کاندیدایی را تعیین کرده بود بدون آن که داوطلب مزبور در منطقه پایگاه مردمی داشته باشد یا این که حتی از اهالی آنجا باشد. به عنوان مثال: کاندیدای حزب دموکرات از شهرستان اراک حسین مکی بود. پس از اعلام کاندیدای توری حسین مکی، هر چه مردم اراک و حومه آن برای جناب اشرف نامه نوشتند و تلگراف کردند که ما آقای مکی را نمی شناسیم و اراک افراد شایسته محلی زیادی برای نمایندگی مجلس دارد به گوش قوام و حزب دموکرات فرو نرفت^۸ و عاقبت نیز مکی از همان اراک به مجلس شورای ملی راه یافت.^۹ در قبال این تسلط حزب دموکرات، گروههای مخالف و همچنین عناصر وابسته به دربار و اکثسهایی از خود نشان دادند. حزب توده انتخابات را تحریم کرد. هیئت اجرایی حزب توده با انتشار اعلامیه ای اعلام داشت: «امروز حزب توده... عملاً از حق قانونی خود در استفاده از انتخابات دوره پانزدهم محروم است.»^{۱۰} و روزنامه نامه مردم ارگان آن حزب طی یادداشتی به تاریخ ۲۵ دی ماه نوشت: «امروز به علت آزادی انتخابات عدم شرکت خود را چه در خفا و چه برملا در مبارزات انتخاباتی اعلام داشته ایم. افراد حزب توده ایران امسال به پای صندوقهای رای نخواهند رفت و رای نخواهند داد.»^{۱۱}

از سوی دیگر گروهی از عناصر ملی و درباری نیز در اعتراض به نحوه اجرای انتخابات در صحن دربار متحصن شدند. دکتر مصدق در میان دلایل این تحصن در مصاحبه با مرد امروز گفت: «روز سه شنبه هفته گذشته جمعی از آقایان به منزل این جانب آمدند و اظهار نمودند این وضع که می بینیم انتخابات ابداً آزاد نیست و کاملاً زیر نفوذ دولتیست. برای چاره جویی اظهار داشتند بهتر است به پادشاه که نگهبان قانون اساسی است متوسل شویم و در دربار متحصن گردیم. اظهار نمودم که این کار فایده ای ندارد جواب گفتند شما که در ۹ آبان ۱۳۰۴ آن اظهارات را در مجلس کردید آیا انتظار فایده داشتید، جواب دادم: محققاً خیر. گفتند: این هم همان حالت را دارد...»^{۱۲} در میان متحصنین که ۳۰ تن بودند بجز دکتر مصدق، افرادی چون جمال امامی، امام جمعه تهران، خلیلی (مدیر روزنامه اقدام) و دکتر

متین دفتری نیز به چشم می خوردند. تحصن همان طور که خود متحصنین نیز از قبل پیش بینی می کردند بدون نتیجه خاتمه یافت. در پایان شاه خطاب به متحصنین اعلام داشت که: «اعلی حضرت همایونی فرمودند من عریضه شما را به دولت دادم که اقدام کند، حال آن که ما از اقدامات دولت در امر انتخابات شاکی بودیم.»^{۱۳} با این حال دکتر مصدق انتخابات را تحریم نکرد. «به عقیده من حتماً باید در انتخابات شرکت نمود اگر چه دولت در آن دخالت کلی نماید...» تحریم انتخابات غلط است.^{۱۴} به هر تقدیر انتخابات شهرستانها و تهران با همین رویه انجام شد و اکثریت کرسیهای مجلس را نمایندگان حزب دموکرات ایران اشغال کردند. از میلیون هیچ کس به مجلس راه نیافت، حزب توده هم که انتخابات را تحریم کرد و حتی دربار هم در این انتخابات بازنده بود. «تقلب سازمان یافته قوام در انتخابات دوره پانزدهم مجلس به قدری زیاد بود که از ۱۳۲۰ به بعد سابقه نداشت، این انتخابات کویتی بریتانیا بعد از جنگ جهانی اول بود.»^{۱۵} لوروزتل در نامه ای به رایت به نمونه ای از عدم انتخاب نمایندگان سنی مجلس اشاره کرده و می نویسد: «امامی و طاهری دو تن از متولیان با نفوذ مجلس بودند که قوام مانع از انتخاب مجدد آنان گشته بود.»^{۱۶} ولی نمایندگان که با نفوذ و قدرت و برنامه ریزی حزب دموکرات به مجلس راه یافته بودند خیلی زود به ولی نعمت خود پشت کردند: «به رغم کوششهای همه جانبه قوام و با آن که بیش از هفتاد تن از نمایندگان وفاداری خود را به طور کتبی به نخست وزیر وعده داده بودند به هنگام افتتاح مجلس چهل تن از آنان برضد وی علم طغیان برافراشتند. آنان که سر به تمرد علنی برداشتند آماده بودند تا به گفت لوروزتل علیه قوام از شاه پیروی کنند.»^{۱۷} از میان کسانی که توسط قوام به مجلس پانزدهم راه یافتند، دکتر مظفر بقایی، حسین مکی، ابوالحسن خائری زاده، حسن ارسنجانی، عبدالغفور آزاد، ملک الشعرا بهار و علی امینی از دیگران شناخت شده تر بودند و همه شان بجز بهار نقش مهمی در تحولات سالهای بعد ایفا کردند.

انجام انتخابات دوره شانزدهم برعهده دولت محمد ساعد بود. در این زمان دو رقیب مهم دربار یعنی حزب دموکرات ایران که پس از سقوط قوام از هم پاشیده بود و حزب توده که پس از قضایای ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ منحل و غیر قانونی اعلام شده بود در صحنه حضور نداشتند. دربار بار دیگر فعال بود و نقش اشرف خواهر شاه در این میان کاملاً

چشمگیر: «وی [اشرف] گروهی از مردان پر تحرک و جاه طلب ولی در مجموع بی‌پرنسیب را در جمع اعوان و انصار خود گرد آورده بود که علاوه بر هژیر، شامل اقبال، خسرو هدایت و ابوالحسن ابتهاج مدیر کل بانک ملی ایران می‌گردید. ۱۸» در چنین شرایطی دولت و دربار سعی داشتند تا با تشکیل یک مجلس یکدست، تصویب سریع قرارداد گس - گلشائیان را ممکن سازند. ۱۹ به هر روی، با صدور فرمان اجرای انتخابات، که برای

انتخابات شده ... و در اجرای منویات اعلیحضرت شاهنشاهی که عبارت از رعایت مقررات و قوانین کشوری و انجام امر انتخابات در محیط آزاد و بدون هیچ گونه مداخله از طرف مأمورین دولت ... کوشا خواهم بود. ۲۰» هیئت دولت نیز در ۲۱ مهر طی اعلامیه‌ای هر گونه شک و تردید در عدم آزادی انتخابات را مردود دانست و اعلام داشت: «منظور دولت این است که انتخابات در نهایت آزادی صورت بگیرد. ۲۱» در همان روز

روز ۲۲ مهر طی یک فراخوان عمومی مردم را به حضور در مقابل کاخ شاه و تحصن در دربار دعوت کرد. وی به منظور اعتراض به عدم آزادی انتخابات به همراه ۱۹ تن دیگر به نمایندگی از سوی جمعیت حاضر در صحن دربار متحصن شدند. ۲۳ پیش از آغاز تحصن دکتر مصدق عریضه‌ای خطاب به شاه نوشت و به هژیر وزیر دربار تسلیم کرد. در بخشی از آن آمده بود: «سوء جریان انتخابات دوره شانزدهم و مداخلات نامشروع مأمورین و مقامات ذی نفوذ از نظر شاهانه پنهان نیست ... فساد انتخابات در شهرستانها به حدی رسیده که مردم از فشار مأمورین و زجر و ضرب و جرح دسته دسته به تهران مهاجرت می‌کنند ... مقدمات انتخابات تهران طوری نیست که بتواند اعتماد و اطمینان عامه را به خود جلب کند. ۲۴» شاه در پاسخ خود به عریضه مصدق به سخنان کلی اکتفا کرد و قول داد که به اعتراضات رسیدگی کند و گفت نیاز به تحصن نیست. وی همچنین در ۲۶ مهر طی پیامی به متحصنین که حالا اعتصاب غذا هم کرده بودند بر آزادی انتخابات تأکید کرد. ۲۵ ولی علی‌رغم وعده شاهانه و اعلامیه دولت و سخنان وزیر کشور، انتخابات به همان روال گذشته برگزار شد. در خلال روزهای رای گیری در روز ۱۳ آبان، عبدالحسین هژیر وزیر دربار و دوست صمیمی اشرف که برای شرکت در مراسم عزاداری به مسجد سپهسالار رفته بود با گلوله‌های سید حسین امامی کشته شد که این حادثه تأثیر زیادی بر هیئت حاکمه داشت و آنها را مرعوب نمود. با شروع شمارش آرای تهران مشخص شد که علی‌رغم همه تقلبها باز هم کاندیداهای ملیون در صدر رای گیری قرار دارند. در روز ۱۶ آبان، دکتر مصدق با ۱۵ هزار رای در صدر داوطلبان قرار داشت و در بین ۱۲ نفر اول هم نام دکتر مظفر بقایی، حسین مکی، حائری زاده و آیت الله کاشانی به چشم می‌خورد. ۲۶

افتتاح انتخابات از یک سو و راهیابی چند تن از رهبران مخالف به مجلس عملاً نقض غرض بود و چاره‌ای برای دولت بجز ابطال انتخابات تهران باقی نگذاشت. در زمینه سازی برای ابطال، عباس مسعودی بار دیگر در سر مقاله روزنامه خود تحت عنوان «انتخابات خراب» نوشت: «ما با کسانی که می‌گویند انتخابات آزاد نیست همدستان شده و نوشته ایم ... ما هم می‌گوئیم انتخابات آزاد نیست. ۲۷» و فردای آن روز یعنی ۱۸ آبان، انجمن مرکزی نظارت بر انتخابات تهران انتخابات تهران را باطل اعلام کرد. قریب سه ماه بعد یعنی ۱۹ بهمن



عباس مسعودی در سر مقاله روزنامه اطلاعات ضمن حمله به کسانی که انتخابات را آزاد نمی‌دانستند نوشت: «می‌گویند انتخابات تهران آزاد نیست. آیا این ادعا صحیح است؟ چه دلیلی بر عدم آزادی انتخابات تهران سراغ دارند که می‌توانند ذکر کنند ... در هیچ نقطه‌ای از نقاط دنیا چنین آزادی سراغ ندارید. ۲۲» ولی مخاطبان عباس مسعودی که در رأس آنها دکتر مصدق قرار داشت به این سادگیها میدان را خالی نمی‌کردند. دکتر مصدق

اولین بار فرمان اجرای انتخابات سنا را نیز شامل می‌شد، انتخابات دوره اول سنا و تعدادی از شهرستانها آغاز گردید و بجز چند حوزه نظیر کاشان که اللهیار صالح از آن جابه نمایندگی انتخاب شد، اعمال نفوذ دولت کاملاً به چشم می‌خورد. سیل اعتراضها به سوی دولت و دکتر اقبال وزیر کشور سرازیر شد. اقبال در پاسخ به این اعتراضها در مصاحبه با اطلاعات گفت: «لژوماً اظهار می‌دارم که از طرف ذات شاهانه به این جانب تأکید در آزادی

همان سال انتخابات تهران تجدید شد و طی یک هفته رای گیری به عمل آمد. در نتیجه دکتر مصدق، آیت الله کاشانی، مکی، بقایی، حائری زاده، محمود نریمان، دکتر شایگان و عبدالغیر آزاد از تهران به مجلس راه یافتند. این بار دیگر دربار چاره ای جز قبول نداشت. از شهرستانها نیز اللهیار صالح از کاشان، عبدالله معظمی از گلپایگان و کشاورز صدر از خرم آباد به مجلس راه یافتند. انتخابات مجلس هفدهم از بسیاری جهات با سایر انتخابات یکسان نبود. اول آن که این انتخابات

ملل، بحث برگزاری انتخابات را مطرح کرد. پیش از شروع انتخابات، مصدق طی گفت و گویی، قصد خود را در مورد برگزاری یک انتخابات کاملاً آزاد با شاه در میان گذارد و شاه از وی درباره نفوذ حزب توده و امکان راهیابی آنها به مجلس سوال کرد. مصدق در این باره چنین گفت: «... تا این که اعلی حضرت همایون شاهنشاهی فرمودند اگر از افراد چپ وارد مجلس بشوند چه خواهیم کرد؟ عرض شد بعد به نظر می رسد با احساساتی که اکنون در مردم هست افراد چپ بتوانند موفقیت

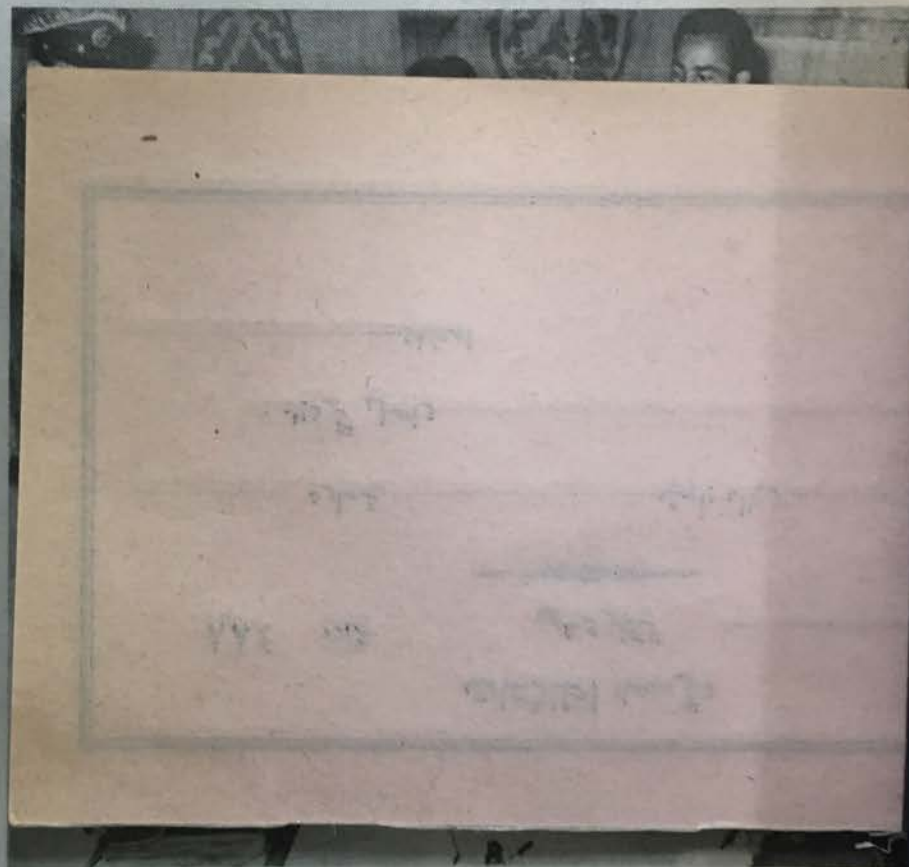
بی نام و نشان را عضو انجمن کرده اند. ما اعلام می کنیم انتخابات آزاد نیست. ۳۰»

هفدهم دی انتخابات تهران آغاز شد و پس از چهار روز، در ۲۷ بهمن ۱۳۳۰، اسامی حائزین اکثریت آرای مردم در تهران اعلام شد. تمامی کاندیداهای جبهه ملی از تهران به مجلس راه یافتند. کاندیداهای حزب توده در رده دوم و کاندیداهای هوادار دربار و مخالفان ملی شدن نفت در رده های بعد بودند. «محافظه کاران از نظر کسب آرا سوم شدند و بعد از حزب توده قرار گرفتند. رای نامزد اول آنها از رای دوازدهمین نامزد حزب توده هم کمتر شده بود. ۳۲» انتخابات در تهران نسبتاً به آرامی برگزار شد ولی در شهرستانهای نظیر جهرم، یزد، دزفول، تبریز، زابل و... کار به آسانی به اتمام نرسید. در زابل کار به قتل رئیس انجمن نظارت و چند تن دیگر انجامید. در پاره ای شهرهای خوزستان دستور رای گیری صادر نشد یا انتخابات نیمه تمام رها شد. دکتر مصدق پس از آن که ۸۰ تن از نمایندگان انتخاب شدند دستور توقف رای گیری را در حوزه های باقیمانده صادر کرد و ادامه انتخابات را به بازگشت از لاهه موکول نمود. مخالفان سرو صدای زیادی به پا کردند و اتهامات زیادی به مصدق زده شد. «اگر چه آشکار است که این اقدام او با هیچ یک از مواد و ضوابط قانون اساسی تطبیق نمی کرد ولی احتمال می رفت اگر انتخابات مجلس کامل شود اکثریت مجلس را نمایندگان از طبقه حاکمه ثروتمند کشور تشکیل دهند که با سیاست خارجی او مبنی بر عدم تعهد و سیاست داخلی او در مورد اصلاحات مخالفت کنند. ۳۲»

علاوه بر عدم تکمیل انتخابات، ایرادها و اتهامهای دیگری از سوی حزب توده، عوامل دربار و... درباره نحوه اجرای انتخابات به دولت دکتر مصدق وارد شد. ولی نکته جالب در این بود که بجای حزب توده، آنان که درباره عدم آزادی انتخابات مجلس هفدهم آن همه قلمفرسایی کردند، در دوره های بعد همگی موید انتخابات دوره های هجدهم به بعد بودند. درباره عدم آزادی انتخابات روزنامه ایران ما نوشت: «... هزارها رای مردم را نگذاشتند به صندوقها برسد و چندین هزار رای مردم از نزدیک صندوقها به وسیله چاقو کشانی که از طرف بعضی سرمایه داران و مالکین وابسته به جبهه ملی استخدام شده بودند، خراب شد و آنها را در هنگام اخذ رای عوض کردند. ۳۳» روزنامه چهار نیز نوشت: «... در بعضی حوزه ها، عناصر مغرض رای اشخاص را به زود

حاصل کنند. بر فرض این که چند نفر هم وارد مجلسی بشوند که اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان را مردم انتخاب کنند تأثیر ندارد که سرانجام موافقت فرمودند انتخابات آزاد شود. ۲۹» انتخابات از اواخر آذر ماه ۱۳۳۰ در شهرستانها به تدریج شروع شد. در ۳۰ آذر اعضای انجمن مرکزی نظارت بر انتخابات تهران نیز تعیین شدند و روز بعد یعنی در اول دی ماه نمایندگان اقلیت مجلس در جلسه خصوصی مجلس دولت را در این خصوص مورد حمله قرار دادند. دکتر مهدی پیراسته در این زمینه گفت: «امروز در پایتخت می بینیم که دکتر مصدق اشخاص پیسواد و

به هنگامی برگزار شد که ایران درگیر دست و پنجه نرم کردن با امپریالیسم انگلیس بود. دوم آن که این انتخابات توسط دولت دکتر مصدق به عمل آمد. یعنی تنها دولت ملی که در دوران پادشاهی محمد رضا پهلوی سرکار آمده بود. سوم آن که شرایط اجتماعی و سیاسی به گونه ای بود که بیش از هر زمان دیگر چه نیروهای طرفدار دولت و چه مخالفان اعم از نیروهای طرفدار دربار و چه وابستگان به انگلیس و... همه سعی داشتند به هر قیمت که شده ولو به ضرب چوب و چماق خود را به مجلس برسانند و در صف نمایندگان درآیند. مصدق پس از بازگشت از شورای امنیت سازمان



گرفته، نگاه می کردند و اگر غیر از کاندیداهای جبهه ملی بوده آنها را کتک زده... خرید و فروش رای و تقلبات دیگر نیز از طرف عناصر وابسته به بعضی از سازمانهای منسوب به جبهه ملی نیز استعمال می شده است... ۳۴ به سوی آینده از نشریات حزب توده نیز با درج مقالاتی تحت عنوان اسناد «غیر قابل انکار» اسنادی را در رابطه با اعمال نفوذ دولت و دربار و ارتش در انتخابات منتشر ساخت. ۳۵ در میان اسنادی که از وزارت کشور در آرشیو سازمان اسناد ملی ایران منتقل شده است و نگهداری می شود ۵۷ پرونده در رابطه با انتخابات دوره هفدهم وجود دارد که از میان آنها سه پرونده در رابطه با اعتراض به نحوه برگزاری انتخابات است. یکی از آنها اعتراض حزب آریا به نحوه انتخاب اعضای انجمن نظارت است. ۳۶ پرونده دیگر اعتراض چهار صفحه ای محمد شاهوردی کاندیدای انتخابات از تهران به مراحل مختلف رای گیری است که بدون ذکر جزئیات، دولت را متهم به دخالت در انتخابات، تعویض صندوقها و... متهم کرده است. ۳۷ شاهوردی در تهران با کسب ۲۵ هزار و ۳۹۹ رای، در ردیف بیست و پنجم قرار گرفت. ۳۸ و پرونده سوم مربوط به دخالت ماموران وزارت فرهنگ به اعمال نفوذ در حوزه های رای گیری است. این پرونده ۱۳۷ برگه دارد و از اعمال نفوذ در شهرستانهای مختلف را نشان می دهد ولی اولاً در همه موارد با متخلف برخورد شده است و ثانیاً در پاره ای شهرستانها، فردی که به نفع وی اعمال نفوذ شده است از کاندیداهای جبهه ملی نبوده است. ۳۹

همه حملات متوجه دولت بود. روزنامه ها در این زمینه به شدت فعال بودند. این درحالی بود که دکتر مصدق تلاش زیادی به عمل آورد تا انتخابات از هرگونه نفوذی برکنار باشد، بخشنامه ای که فرمانداران را مکلف به انتخاب اعضای انجمنهای نظارت به قید قرعه از میان افراد خوشنام می کرد از آن جمله بود. در این میان دربار که این بار در حاشیه قرار گرفته بود با فراغت بیشتری به ویژه در شهرستانها مشغول بود و تعدادی از کاندیداهای خود را نیز توانست به مجلس بفرستد. دکتر سید حسن اسامی امام جمعه تهران و برادر زاده همسر مصدق که موفق نشده بود از تهران... به مجلس راه یابد با توصیه شاه و دخالت ارتش نماینده مردم مهاباد شد. ۴۰

به هر صورت در این دوره انتخابات به صورت نیمه تمام و با اعمال نفوذهایی که دربار و پاره ای هواداران دکتر مصدق انجام دادند به پایان رسید.

پی نوشتها

ولی به قول عظیمی: «مصدق نه می توانست رفتار دربار و ارتش و نخبگان محلی را کنترل کند و نه رفتار بعضی از طرفدارانش را، و موارد اجتناب ناپذیر تخلفات انتخاباتی، مورد بهره برداری مخالفان دولت از جمله کاندیداهای ناموفق قرار گرفت. ۴۱»

از میان عوامل دربار کسانی چون سید حسن امامی، اورنگ، جواد عامری، شهاب خسروانی، ملک مدنی، عبدالرحمن فرامرزی، دکتر طاهری، ابوالکارم دماوندی، میرزا محمد علی خان منصف، ابوالفضل تولیت، حاج آقا رضا زقیع الملک، بهاء الدین کبهد و... به مجلس راه یافتند. ۴۲



- (۱) نطق دکتر مصدق در مسجد شاه تهران به تاریخ ۲۰ دی ۱۳۲۵ به نقل از روزنامه مرد امروز شماره ۹۰، مورخ ۲۱ دی ماه ۱۳۲۵.
- (۲) محمد محمود، سر مقاله مرد امروز شماره ۹۱ مورخ ۲۸ دی ۱۳۲۵.
- (۳) نطق محمد علی شوشتری در مجلس هجدهم به نقل از محمد علی سفری، قلم و سیاست ج ۲، ص ۲۳۷.
- (۴) روزنامه اطلاعات ۱۱/۳/۱۳۲۲.
- (۵) روزنامه ستاره مورخ ۱۶ شهریور ۱۳۲۲ به نقل از گذشته چراغ راه آینده است ص ۱۷۴.
- (۶) روزنامه اراد: مورخ ۱۷/۳/۱۳۲۲ به نقد از گذشته چراغ راه آینده است. ص ۱۷۵.
- (۷) این هشت تن عبارت بودند از: دکتر رضا رادمنش، عبدالصمد کامبخش، محمد پروین گنابادی، آرداش آرانسیان، فریدون کشاورز، ایرج اسکندری، شهاب فردوس و تقی فداکار.
- (۸) آرشیو سازمان اسناد ملی ایران، اسناد وزارت کشور، پرونده شماره ۱۳۵ - ۱۰۹۰۰۱.
- (۹) عطاء... فرهنگ قهرمانی - اسامی نمایندگان مجلس شورای ملی از آغاز مشروطیت تا دوره ۲۴ قانونگذاری و نمایندگان مجلس سنا در هفت دوره تقنینیه از ۲۵۰۸ تا ۲۵۳۶ - دوره هفدهم مجلس شورای ملی.
- (۱۰) نامه مردم، سال چهارم، دوره پنجم، شماره ۶، ۲۰ دی ۱۳۲۵.
- (۱۱) نامه مردم، سال چهارم، دوره پنجم، شماره ۹، ۲۵ دی ۱۳۲۵.
- (۱۲، ۱۳، ۱۴) مصاحبه با دکتر مصدق - مرد امروز، شماره ۹۱، تاریخ ۲۸ دی ۱۳۲۵.
- (۱۵) همایون کاتوزیان - مصدق و نبرد قدرت ترجمه احمد تدین، ص ۱۲۷.
- (۱۶) لوئوزتل به رایت. F0371EP7S467 به نقل از فخرالدین عظیمی، بحران دموکراسی در ایران، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و بیژن نوذری، ص ۲۸۲.
- (۱۷) فخرالدین عظیمی، همان ماخذ، ص ۲۲۶.

- (۱۸) فخرالدین عظیمی همان ماخذ ۲۸۲.
- (۱۹) قرار داد الحاقی گس - گلشائیان که در اواخر دوره مجلس پانزدهم، تقدیم مجلس شد، تفاوت ماهوی با قرار داد ۱۹۳۳ نفت نداشت و صرفاً مقدار کمی حق الامتیاز ایران را از نفت افزایش می داد. این قرار داد علی رغم تلاش دولت و دربار با فداکاری اقلیت مجلس پانزدهم و به ویژه حسین مکی که علی رغم بیماری آن قدر نطق خود را ادامه داد تا عمر مجلس پانزدهم به پایان رسید، و قرار داد کماکان تصویب نشده باقی ماند تا در مجلس شانزدهم بار دیگر مطرح شود.
- (۲۰) اطلاعات، مورخ ۵ مهر ۱۳۲۸، مصاحبه با اقبال.
- (۲۱) اطلاعات، مورخ ۲۱ مهر ۱۳۲۸، اعلامیه دولت ساعد.
- (۲۲) اطلاعات، مورخ ۲۱ مهر ۱۳۲۸، سرمقاله.
- (۲۳) افراد حاضر در تحصن پس از خروج از تحصن هسته اولیه جبهه ملی را تشکیل دادند.
- (۲۴) اطلاعات، مورخ ۲۳ مهر ۱۳۲۸.
- (۲۵) اطلاعات، مورخ ۲۶ مهر ۱۳۲۸.
- (۲۶) اطلاعات، مورخ ۱۶ آبان ۱۳۲۸.
- (۲۷) اطلاعات، مورخ ۱۷ آبان ۱۳۲۸.
- (۲۸) اطلاعات، ۴ آذر ۱۳۲۸ (سرمقاله).
- (۲۹) خاطرات و تالمت دکتر محمد مصدق به قلم دکتر مصدق، ص ۲۵۸.
- (۳۰) نطق پیراسته در مجلس؛ نقل از اطلاعات اول دی ۱۳۳۰، جالب آن که آقای پیراسته برای مجلس ۱۸ نیز کاندیدا بود و اتفاقاً در مجلس هم راه یافت ولی در آن دوره بحثی راجع به آزاد بودن یا نبودن انتخابات مطرح نکرد.
- (۳۱) کاتوزیان - همان ماخذ، ص ۲۲۸.
- (۳۲) حبیب لاجوردی. حکومت مشروطه و اصلاحات در دوران مصدق، از جیمز بیل و ویلیام راجرز. مصدق، نفت و ناسیونالیسم ایرانی، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، کاوه بیات، ص ۱۱۵.
- (۳۳) ایران ما، شماره ۷۳، مورخ ۱۳۳۰/۱۱/۴ به نقل از گذشته چراغ راه آینده است ۵۶۵، مدیر مسئول این روزنامه جهانگیر تقفلی بود که در کودتای ۲۸ مرداد از جمله صحت گردانان اصلی بود.
- (۳۴) حجاز شماره ۶۵، مورخ ۱۳۳۰/۱۱/۶ به نقل از گذشته چراغ راه آینده است ص ۵۶۵. این نشریه متعلق به گروهی از انشعابیان حزب توده بود.
- (۳۵) به سوی آینده ۱۰/۲۵/۱۳۳۰.
- (۳۶) سازمان اسناد ملی ایران، اسناد وزارت کشور، شماره ۲۹۳۰۰۲۲۴۰.
- (۳۷) پیشین - شماره ۲۹۳۰۰۵۱۶۰.
- (۳۸) اطلاعات ۲۷ بهمن ۱۳۳۰.
- (۳۹) سازمان اسناد ملی ایران، اسناد وزارت مالیه، شماره ۲۴۰۰۰۰۹۱۷۹.
- (۴۰) کاتوزیان - همان منبع - ص ۲۲۸.
- (۴۱) عظیمی همان منبع - ص ۳۷۷.
- (۴۲) عطاء... فرهنگ قهرمانی - همان منبع - مجلس هفدهم.